دانشمندان اسلامی و مرجعیت اهل بیت (ع)

بی آزارشیرازی، عبدالکریم

مرجعیت علمی اهل بیت(ع)نقطه مشترکی‏ است که مسلمانان بر آن اتفاق نظر دارند و مسائل‏ مورد اختلاف را می‏توان با ارجاع به آن حل کرد. مرجعیتی که از حقایق قرآن و سنت نبوی پرده‏ برمی‏دارد و بخصوص مسائل فقهی و شرعی‏ مذاهب اسلامی در این نقطه آبشخور مشترک‏ خود را باز می‏یابد.دکتر عبد الکریم بی‏آزار شیرازی در نوشته زیر سعی کرده است که تقارن‏ بین مذاهب را در مرجعیت علمی اهل بیت(ع) باز نماید.

منظور از«مرجعیت علمی»،نقطه مشترکی‏ است که مسلمانان بر آن اتفاق نظر دارند و مسایل‏ مورد اختلاف میان مسلمانان به آن منتهی می‏شود بخصوص در مسایل اعتقادی و شرعی،مرجعیتی‏ که از حقایق قرآن و سنت نبوی پرده‏برداری‏ می‏کند.

خداوند در قرآن کریم می‏فرماید:

اگر در چیزی اختلاف کردید آن را به خدا و پیامبرش ارجاع دهید.(1)

طبیعی است که منظور از رجوع به خدا، مراجعه به کتاب خدا است،و از آنجا که کتاب‏ خدا در بعضی از آیات نیاز به بیان دارد،در کنار آن پیامبر قرار داده شده است:

و ما نازل نکردیم بر تو این کتاب را جز اینکه‏ بیان کنی بر ایشان آنچه که اختلاف دارند در آن(2)

بر اساس این آیات،پیامبر اکرم(ص)در عصر خود مرجعیت علمی مسلمانان را به عهده داشتند و بعد از خود امام علی و سایر اهلبیت را وارث‏ علم خود قرار دادند و فرمودند:

من دو شاهین بزرگ در میان شما می‏گذارم‏ که تا وقتی به آن تمسک جویید بعد از من گمراه‏ نشوید:یکی بزرگتر از دیگری:کتاب خدا ریسمان امتداد یافته از آسمان به زمین و عترتم، یعنی اهل بیتم.(3)

این حدیث را که بیش از 33 صحابی آن را نقل‏ کرده‏اند،در صحاح معتبر اهل سنت آمده است.

و شیخ محمد ابو زهره که از علمای اهل سنت‏ است،این حدیث را دلیل و سند امامت اهل بیت‏ و مرجعیت علمی و فقهی آنان می‏داند.(4)

دکتر محمد عبده یمانی عالم اهل سنت نیز می‏نویسد:حدیث صحیح:انی تارک فیکم‏ الثقلین کتاب الله و عترتی که در صحاح اهل سنت‏ نیز آمده(5)تأکید بر آن دارد که اهل بیت دارای‏ مرجعیت علمی مسلمانانند و الگو و اسوه زنده‏ای‏ هستند در علم و استقامت و در تمسک به اسلام نابی که جدشان حضرت محمد(ص)آورده‏ است.

شیخ کبیر محمود شلتوت در تفسیر پیرامون‏ اجماع سنت و عترت نوشته است:«طرق حدیث‏ ثقلین متعدد است و در بعضی از آنها آمده:«کتاب‏ خدا و عترتم»بدون شک سنت همان چیزی است‏ که پیامبر و عترت طاهرینش بر آن بوده‏اند.(6)

علامه شهید مطهری در این باره می‏گوید:

«در ایامی که ما در قم بودیم،اوایلی بود که‏ مجله«رسالة الاسلام»توسط دار التقریب منتشر می‏شد،در آنجا یکی از علمای اهل تسنن در مقاله‏ای این حدیث را به این شکل نقل کرده بود که پیغمبر فرمود:«انی تارک فیکم الثقلین کتاب‏ الله و سنتی»

مرحوم آیة الله بروجردی که در این‏گونه‏ مسایل بسیار عاقلانه فکر می‏کرد،طلبه فاضلی‏ به نام آقای شیخ قوام و شنوه‏ای را که خیلی اهل‏ تتبع بود راهنمایی کردند که این حدیث را از کتب‏ اهل سنت استخراج کنند که شاید در بیش از دویست کتاب از کتب معتبر مورد اعتماد اهل‏ تسنن،نوشته‏اند که پیغمبر فرمود:انی تارک فیکم‏ الثقلین کتاب الله و عترتی و این حدیث در مقامات‏ و جاهای متعدد بوده.البته منظور این نیست که‏ پیغمبر(ص)حتی یک بار هم نگفته است که من‏ دو چیز در میان شما می‏گذارم کتاب و سنت، چون منافاتی نیست بین«کتاب و سنت»و«کتاب‏ و عترت»زیرا عترت برای بیان سنت است. صحبت این نیست که ما به سنت رجوع کنیم یا به‏ عترت!بلکه عترت است که مبین واقعی سنت‏ است و تمام سنت نزد آنهاست،کتاب الله و عترتی یعنی شما باید سنت مرا از عترت من تلقی‏ کنید.علاوه بر این خود همین که می‏گوییم پیغمبر فرمود:انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی‏ سنت است،چون حدیث پیغمبر است.

به هر حال آن شخص-حاج شیخ قوام- رساله‏ای در این زمینه تهیه کرد و آن را فرستاد به‏ دار التقریب مصر.دار التقریب هم آن را چاپ و پخش کرد.حالا اگر مرحوم آیت الله بروجردی‏ می‏خواست مثل دیگران عمل کند جار و جنجال‏ و هیاهو راه می‏انداخت که اینها چه می‏گویند؟

می‏خواهند حقوق اهل بیت را از بین ببرند، این‏ها سوء نیت دارند و...(7)

علامه واعظزاده خراسانی می‏نویسد:

آیت الله العظمی بروجردی بر آن بودند که‏ شیعه در عصر حاضر باید بر مرجعیت علمی اهل‏ بیت(ع)تأکید ورزد و از طرح مسأله خلافت امام‏ علی(ع)سکوت کند زیرا که این امری است‏ تاریخی و مربوط به گذشته،مسلما اگر شیعه به‏ استناد حدیث ثقلین به مرجعیت علمی اهل بیت‏ اکتفا کند،قادر خواهد بود که دشمنی‏های بیهوده‏ را کنار بزند و همه مسلمانان را پیرامون محاسن‏ \*حضرت علی(ع)برای صیانت‏ زبان قرآن از انحراف و اعوجاج، ابو اسود دوئلی را مأمور کردند تا زیر نظر آن حضرت،علم نحو را وضع کند و بعدها ابو اسود با استفاده از همین علم نحو،قرآن را اعراب گذاری کرد.

کلام عترت و فقه با عظمت اهل بیت جمع‏ کند.(8)

مرجعیت علمی امام علی(ع)

قال رسول الله(ص)لعلی(ع):انت تبین‏ لامتی ما اختلفوا فیه بعدی

انس بن مالک از پیامبر خدا(ص)نقل می‏کند که به علی(ع)فرمود:تو بعد از من بیان کننده و حل کننده اختلافات برای امتم خواهی بود.(9)

یکی از وظایف مهم امامت و ولایت پاسداری‏ از قرآن و خزائن علوم پیامبر(ص)و انتقال صحیح‏ آن به علماء و دانشمندان و تبیین اختلافاتی است‏ که در میان امت پدید می‏آید؛اهمیت این وظیفه‏ آنگاه روشن می‏شود که بدانیم چه بسیار از کشورگشایانی در میدانهای جنگ بر کشورهای‏ بزرگ پیروز شدند اما در برابر فرهنگ آنان شکست‏ خوردند و ناچار خود به ترویج فرهنگ ملل‏ مغلوب پرداختند،چنانکه مغول‏ها با اینکه‏ بر مسلمانان غالب شدند اما در برابر قرآن و اسلام‏ آنچنان مغلوب شدند که خود مسلمان شدند و مروج دین اسلام گشتند.

از آنجا که انقلاب اسلامی،انقلابی دینی و فرهنگی بود،بیش از مبارزه مسلحانه،نیاز به‏ مبارزه علمی و فرهنگی داشت.

امام علی(ع)بعد از رحلت پیامبر عالیقدر اسلام،به این امر مهم پرداخت و ابتدا به‏ جمع‏آوری قرآن کتاب آسمانی پرداخت و سوگند خورد تا قرآن را ننویسد،ردا بر دوش نیندازد و از خانه خارج نشود،مگر برای خواندن نماز(10) و آنگاه بر اساس آنچه را که از ناسخ و منسوخ و متشابه و ظاهر و باطن قرآن از پیامبر اکرم(ص) آموخته بود به تعلیم و تفسیر آن پرداخت و شاگردانی چون امام حسن و امام حسین(ع)و ابن عباس و ابن مسعود و...تربیت کرد،تا پاسخگوی تهاجمات فرهنگی و اشکالات‏ اعتقادی دانشمندان کشورهای فتح شده باشند و نیازهای فقهی و حقوقی حقوقدانان را برآورند و اصول اعتقادی و مسائل فقهی و دیگر مسائل‏ فرهنگی اسلام را به بهترین وجه به ملل تازه به‏ اسلام درآمده تعلیم دهند.

امام علی(ع)و علم تفسیر

با مراجعه به تفاسیر،معلوم می‏شود که امام‏ علی(ع)پیشوای مفسرین است،چنانکه سیوطی‏ می‏نویسد:در میان خلفا از همه بیشتر از علی ابن ابیطالب روایت شده است(11)و ابن عباس که آنهمه احادیث تفسیری دارد از شاگردان امام علی(ع)بود و وقتی به او گفته‏ شد علم تو نسبت به علم پسر عمویت چه مقدار است،گفت:مانند نسبت قطره بارانی در برابر اقیانوس.(12)

شاگردان تفسیری امام علی(ع)هر کدام‏ صاحب مکتب تفسیری در مکه،مدینه و کوفه‏ شدند.

امام علی(ع)واضع علم نحو

حضرت علی(ع)برای صیانت زبان قرآن‏ از انحراف و اعوجاج،ابو اسود دوئلی را مأمور ساختند تا زیر نظر آن حضرت،علم نحو را وضع‏ کند و بعدها ابو اسود با استفاده از همین علم نحو، قرآن را اعراب گذاری کرد.(13)

امام علی(ع)و علم قرائت

استادان علم قرائت مانند ابو عمر و عاصم بن‏ ابو عبد الرحمن سلمی فارسی مراجعه می‏کنند که‏ وی قرائت قرآن را از امام علی(ع) آموخته است.(14)

امام علی(ع)و علم کلام

ابن ابی الحدید در مقدمه شرح نهج البلاغه‏ می‏نویسد:علم کلام و اعتقادات که اشرف علوم‏ است از کلام امام علی(ع)اقتباس شده است. اربلی در کشف الغمه می‏نویسد:پیشوایان مکتبهای کلامی،یعنی اشاعره،معتزله،شیعه و خوارج همه خود را منسوب به آن حضرت‏ می‏دانند.(15)

امام علی(ع)و علم فقه

گذشته از فقهای امامیه که فقه خود را از امام‏ علی(ع)دارند،احمد حنبل،فقه را از شافعی و شافعی از محمد بن حسن و مالک آموخت و محمد بن حسن،فقه را از ابو حنیفه،و مالک و ابو حنیفه فقه را از امام جعفر صادق،آموخته‏اند و فقه امام صادق به جدش علی بن ابیطالب منتهی‏ می‏شود.(16)

امام علی(ع)و بلاغت

امام علی(ع)با تدوین کتاب نهج البلاغه، پیشوای فصیحان و سرور بلیغان گردید و در آن‏ گنج‏هایی از حکمت و آیین حکومت‏ و کشورداری برای همه اعصار از خود باقی‏ گذاشت.

امام علی(ع)و علم حقیقت(علم باطن)

دکتر ابو الوفا غنیمی تفتازانی استاد دانشگاه‏ قاهره و شیخ طریقت در مقدمه خود بر کتاب‏ «وسایل الشیعه»می‏نویسد:«مشایخ و اصحاب‏ طریقت مانند رفاعی،بدوی،دسوقی و گیلانی‏ از اجله علمای اهل سنت در اسناد طریقت خود به ائمه اهل بیت و از طریق آنها به امام علی(ع)و از او به پیامبر(ص)استناد می‏کنند،زیرا پیامبر(ص)فرمودند:انا مدینه العلم و علی بابها و این نزد عرفا خصوصیتی در علم حقیقت،علم‏ مکاشفه و علم باطن است که بجز امام علی(ع) کسی واجد این خصوصیت نیست.

در اکثر کتب اهل سنت،شواهد فراوانی برای‏ خصوصیت امام علی(ع)در این علم وجود دارد. به عنوان نمونه عمر به هنگام استلام حجر اظهار داشت:می‏دانم تو سنگی و سود و زیانی نداری، اگر ندیده بودم که پیغمبر(ص)تو را می‏بوسد، نمی‏بوسیدمت.علی(ع)گفت:او هم سود می‏رساند و هم زیان،خداوند پیمان عالم ذر را در این سنگ به ودیعت نهاد و این سنگ در قیامت‏ به سود کسانی که وفای به عهد کردند گواهی‏ دهد،عمر چون این بشنید گفت:

خدا مرا در سرزمینی که تو آنجا نباشی زنده‏ نگذارد

ای ابا الحسن!(17)

این روایت نشانگر آنست که امامت و مرجعیت علمی امام علی(ع)حتی برای خلفا کاملا شناخته شده و مورد قبولشان بوده است.

سرچشمه علوم اهل بیت(ع)

سرچشمه علوم اهل بیت(ع)عبارت است‏ از:

1-قرآن کریم،بر اساس روایات بسیار اهل‏ بیت،اهل الذکر و متخصص در قرآن بلکه امام‏ المفسرین بودند.

\*امام علی(ع)با نهج البلاغه،گنج‏هایی از حکمت و آیین حکومت‏ و کشورداری برای همه‏ اعصار از خود باقی گذاشت.

2-پیامبر اکرم(ص)چنانکه خود فرمودند: انا مدینة العلم و علی بابها

3-امام پیشین

4-آگاهی و تجارب شخصی

مرجعیت علمی امام علی(ع)در میان‏ اصحاب

فاسئلوا اهل الذکر ان کنتم لا تعلمون(18) (از متخصص قرآن بپرسید اگر نمی‏دانید.)

ابن جریر طبری در تفسیر خود می‏نویسد: چون این آیه نازل شد،علی(ع)گفت:ما اهل‏ الذکر هستیم.(19)

ابن قیم می‏نویسد:اصحاب کبار از علی(ع) به عنوان،اهل الذکر متخصص قرآن استفاده‏ می‏کردند و همواره مشکلات خود را از او می‏پرسیدند(20)ابن اعثم از ابو بکر خلیفه اول نقل‏ می‏کند که گفت:ای مسلمانان این علی وارث‏ علم پیامبر است،هر که در راستی او شک کند، منافق است.(21)خلیفه دوم معمولا نظر آن‏ حضرت را بر نظر سایر صحابه مقدم می‏داشت‏ به طوری که دستور داده بود تا وقتی علی(ع)در مسجد است کسی حق فتوی ندارد،یا در جلسات‏ شوری نظر نهایی را از امام علی(ع)می‏خواست‏ و اظهار می‏داشت:بگو که تو اعلم و افضل‏ صحابه‏ای.(22)

و در هر مسأله‏ای خلفا و صحابه و فقهای شام‏ و عراق دچار مشکل می‏شدند به امام علی(ع) مراجعه می‏کردند و چه بسیار قضایایی که صحابه‏ و خلفا فتوی می‏دادند اما چون آن را مخالف با نظر امام علی(ع)می‏یافتند،فورا به نظر آن‏ حضرت برمی‏گشتند.(23)

قدامه مقدسی در کتابش المغنی از عبد الله بن‏ عباس نقل می‏کند که می‏گفت:اذا ثبت لنا عن‏ علی قول لم نعده الی غیره

هرگاه بر ایمان گفته‏ای از علی(ع)ثابت‏ می‏شد آن را به دیگری برنمی‏گرداندیم.(24)

مرجعیت علمی اهل بیت(ع)در میان مذاهب‏ فقهی

روایات امام علی(ع)از پنج طریق نقل شده‏ است:

1-از طریق محدثین اهل سنت

2-از طریق ائمه(ع)

3-از طریق روایات شیعه امامی(مانند کتب‏ اربعه)

4-از طریق زید بن علی(ع)(در کتابهای‏ المجموع الفقهی،مسند زید و امالی و البحر الزخار)

5-از طریق اسماعیلیه(مانند کتاب‏ دعائم الاسلام،قاضی نعمان مصری)

مراجعه و استناد پیشوایان و فقهای مذاهب‏ اهل سنت آنقدر زیاد است که اخیرا دکتر محمد رواس قلعه‏جی،روایاتی را که فقهای مذاهب‏ اربعه و دیگران به آنها استناد جسته‏اند،به صورت‏ دایرة المعارفی به نام«موسوعه فقه الامام علی بن‏ ابیطالب»جمع‏آوری کرده است،(25)و علامه‏ واعظزاده ده هزار حدیث ائمه(ع)را از 25 کتاب‏ معتبر اهل سنت گرد آورده است.

ابن ندیم می‏نویسد:روزی شخصی از امام‏ شافعی سئوالی کرد و او هم جوابش را داد.آن‏ شخص اظهار داشت:این جواب تو بر خلاف‏ گفته علی بن ابیطالب است.امام شافعی به وی‏ گفت:اگر ثابت کنی که علی بن ابیطالب چنین‏ گفته است من صورت خود را بر خاک می‏گذارم‏ و اعتراف به خطای خود نموده،از گفته خود به‏ گفته او برمی‏گردم.(26)

فخر رازی در جلد اول تفسیر خود در مسایل‏ فقهی استنباط شده از سوره فاتحه درباره جهر به‏ بسم الله در نماز می‏نویسد:

دلیل پنجم بر اینکه به بسم الله سنت است، اینکه به تواتر از امام علی ثابت شده است که‏ بسم الله را بلند می‏خواندند و کسی که در دینش‏ به علی بن ابیطالب اقتدا کند،هدایت یافته است‏ و دلیل بر آن این است که پیامبر(ص)درباره علی‏ فرمودند:

خدایا حق را با علی جاری گردان در هر کجا که جاری است(27).در قسمت دیگر می‏گوید: ما در هر چیز شک کنیم در این امر شک نخواهیم‏ کرد که هرگاه تعارض واقع شده میان قول انس و ابن مفضل و بین قول علی بن ابیطالب(ع)،عمل‏ بن قول علی اولی است زیرا که او به رسول(ص) نزدیکتر بود.»(28)

بعضی از فقهای عالیقدر کردستان در سلسله‏ اجازات خود،توسط قطب الدین رازی،علامه‏ شیرازی،و کاتب قزوینی و فخر رازی و حجت الاسلام محمد غزالی،و شیخ ابو طالب‏ مکی،و معروف کرخی(رحمة الله علیهم) اینچنین به امام رضا(ع)و از ایشان به امام علی(ع) باب علم پیامبر(ص)منتقل می‏شوند:

«...عن المرتضی الامام علی لرضا(ع)عن‏ والده غره جیاه الاعظم،الامام موسی الکاظم(ع) عن والده،رئیس الطرائق مجمع البحرین سیدنا الامام المجتبی،سیدنا الامام الحسن(ع)عن والده‏ منبع الولایة حجة الله،سیدنا الامام علی الحیدر علیه آلات التحیة و السلام و هو کرم الله وجهه قد اخذ العلوم و المعارف من بحار علوم سید الاولین‏ و الآخرین منبع الصدق و الصفا سیدنا ابی القاسم‏ محمد المصطفی(ص)...

حنفیان در مقابل مالکیان و حنبلیان که اظهار می‏دارند مکتب ما از شهر پیامبر نشأت گرفته و مذهب حنفی در کوفه دور از احادیث نبوی بوده‏ است،پاسخ می‏دهند که کوفه پایتخت امام علی‏ است.

در میان فقهای احناف هرگاه امر دائر میان قول‏ ابو حنیفه،و دو شاگردش ابو یوسف و محمد شود،قول استاد مقدم است مگر اینکه قول‏ شاگردان مستند به روایت امام علی(ع)باشد که‏ در این صورت قول مستند به امام علی(ع)مقدم‏ است.(29)

همچنین بعضی از فتاوای حنیفان به استناد قول،یا روایت امام علی(ع)به عنوان نمونه در مسئله قرائت حمد به استناد قول امام علی(ع)آنرا فقط در دو رکعت اول واجب می‏دانند.(30)

در مذهب مالک طبق مذهب اهل بیت‏ دست‏باز نماز می‏خوانند،و وقتی به مالک‏ پیشوای مالکیان گفته شد که چرا بر خلاف آنهمه‏ روایات به دست باز خواندن نماز فتوی داده،

پاسخ داد:چون دیدم علمای اهل بیت(ع)(یعنی‏ امام باقر و امام صادق علیهما السلام)با دست باز نماز می‏خوانند.

احمد حنبل در مسند خود فصلی را به امام‏ علی(ع)اختصاص داده که نزدیک به سه هزار حدیث از آن حضرت نقل می‏کند.

ابن عساکر در تاریخ خود درباره زندگانی امام‏ سجاد از ابی حازم نقل می‏کند که می‏گفت:

هیچ هاشمی را با فضیلت‏تر از علی بن الحسین‏ و هیچ کسی را فقیه‏تر از او ندیدم.(31)

و شافعی پیشوای شافعیان می‏گفت: علی بن الحسین فقیه‏ترین اهلبیت است.(32)

عبد الله بن عطا می‏گفت:من علماء را نزد هیچ کس از نظر علمی کوچکتر ندیدم جز در برابر امام باقر،حکم بن عتبه را دیدم با همه جلالتی که‏ در میان قوم خود داشت همچون کودکی در بر معلمش بود.(33)

و ابو حنیفه پیشوای حنفیان می‏گفت: هیچ کس را فقیه‏تر از جعفر بن محمد الصادق‏ ندیدم.(34)

مالک پیشوای مالکیان شاگرد امام صادق(ع) می‏گوید:«مدتی به نزد جعفر بن محمد می‏رفت‏ او را جز در سه حالت ندیدم:یا نماز می‏خواند یا در حالت روزه بود،یا قرآن تلاوت می‏کرد،هیچ‏ چشمی و هیچ گوشی و هیچ قلبی،عالم‏تر و عابدتر و پرهیزگارتر از جعفر بن محمد ندیده و نشنیده و به فکرش خطور نکرده است».(35)

مرجعیت علمی خاندان علوی در مذاهب‏ اسلامی

مرجعیت علمی خاندان علوی نه تنها در مذهب شیعه امامی و شیعه زیدی،بلکه در میان‏ سایر مذاهب اسلامی بسیار زیاد است به عنوان‏ مثال در میان مفسرین سید محمود آلوسی صاحب‏ تفسیر روح المعانی در بغداد و سید محمد رشید رضا،صاحب تفسیر المنار در مصر و سید محمد بن علوی مالکی حسنی،مؤلف بیش از بیست‏ کتاب در مذهب مالکی در مکه و سید عبد القادر حسنی گیلانی مؤسس سلسله قادریه که در هند، افغانستان،عراق تا آفریقا میلیونها پیرو دارد و شاه نعمت الله ولی مؤسس نعمت اللهی،و سید احمد بدوی حسینی،رئیس سلسله بدویه در طنطا و سایر شهرهای مصر و سودان و غیره،همچنین‏ سید احمد بن علی رفاعی مؤسس سلسله رفاعیه‏ در عراق و مصر از افریقا و سید احمد بن علی حنفی‏ مصری رئیس سلسله شعرانیه،و سید محمد عثمان میرغنی مالکی صاحب تفسیر تاج التفاسیر و سید منصور علی ناصف الحسینی صاحب کتاب‏ التاج الجامع للاصول فی احادیث الرسول(ص)که‏ یکی از بهترین مجموعه‏های حدیثی اهل سنت‏ است یا سید ابو الحسن ندوی صاحب کتاب ماذا خسر العالم بانحطاط المسلمین و دکتر سید محمد طنطاوی و شیخ جامع الازهر و همه...همه‏ از خاندان علوی هستند.

مرجعیت علمی نوادگان امام حسن(ع) در یمن

از آن هنگام که امام علی(ع)از سوی پیامبر به‏ یمن عزیمت کردند مرجعیت علمی و امور قضایی‏ مسلمانان یمن را به عهده گرفته و تعالیم آن‏ حضرت در مدت اقامتشان در یمن موجب پیدایش‏ مکتب فقهی یمن گردید و با مهاجرت نوادگان آن‏ حضرت،مرجعیت علمی خاندان گسترش یافت‏ که تاکنون همچنان ادامه دارد.

فرزندان امام علی(ع)در یمن،گذشته‏ از جنبه‏های سیاسی دارای مرجعیت علمی،فقهی‏ و کلامی بودند.به عنوان نمونه:

1-ترجمان الدین ابو محمد قاسم فرزند ابراهیم طباطبا.وی امامی زیدی،زاهد و مؤسس مذهب فقهی قاسمی بود و در مورد جبریان و تجسمیان کتاب نوشت.وی در سال‏ 246 وفات یافت.و از وی هفت فرزند باقی ماند که که تألیفاتشان در کتابخانه‏های اروپا فراوان‏ است.(36)

2-ابو الحسن یحیی(هادی)فرزند، ابو عبد الله حسین بن قاسم رسی.وی از پیشوایان‏ زیدی و شاعر ملک بود که در 280 هـ در یمن‏ ظهور کرد و خود را«هادی الی الحق»خواند و به‏ جهاد پرداخت.برای او در مکه خطبه خواندند و \*از آن هنگام که امام علی(ع) از سوی پیامبر به یمن عزیمت‏ کردند مرجعیت علمی‏ و امور قضایی مسلمانان یمن را به عهده گرفته و تعالیم آن‏ حضرت در مدت اقامتشان در یمن‏ موجب پیدایش مکتب فقهی یمن‏ گردید و با مهاجرت نوادگان آن‏ حضرت مرجعیت علمی خاندان‏ گسترش یافت که تاکنون همچنان‏ ادامه دارد.

در سال 298 در یمن درگذشت.

وی دارای تألیفات مهمی در فقه،نزدیک به‏ مذهب حنفی بود که در کتابخانه‏های اروپا وجود دارد.

3-ابو القاسم محمد مرتضی بن یحیی هادی‏ که همراه پدر به یمن آمد و جانشین او در امامت شد و در 310 هـ درگذشت.فرزندان وی(بنی انج) در آمل و بنی عساف در اصفهان پراکنده‏اند.(37)

در طی دوازده قرن که امامان زیدی بر-یمن‏ حکومت می‏کردند،دانشمندان،محققان، متکلمان،ادیبان و فقیهان بزرگی از دودمان امام‏ حسن(ع)در این سرزمین پدید آمدند که فقه‏ و حدیث،و کلام و فرهنگ شیعیان زیدی را رشد و توسعه دادند.از جمله آنان:

1-حسن بن بدر الدین محمد(582-662 ه .ق)فقیه‏ها،اصولی،محدث و محقق از سلاله‏ امام یحیی الهادی،صاحب شفاء الادام فی‏ احادیث الاحکام و التقریر در فقه

2-حسین بن محمد بدر الدین فقیه و محدث،شاگردان او از عالمان بنام یمن بودند.

3.دهماء دختر یحیی بن مرتضی(م 837 ق) فقیه،ادیب،شاعر و محقق،خواهر امام مهدی‏ احمد بن یحیی.

4.احمد بن صلاح شرفی(975-1055 ق) فقیه،مورخ و محقق از خاندان قاسم رسی

5.احمد بن محمد لقمان از دودمان امام‏ مهدی احمد بن یحیی،عالم،ادیب،فقیه و محقق صاحب شرح الکامل در اصول فقه،و شرح التهذیب تفتازانی در منطق.

6.حسن بن احمد جدال(1014- 1048 ق)،فقیه،عالم،محقق و نویسنده و شاعر منسوب به احمد ناصر فقیه‏ترین فقهای‏ عصر خود

7.عبد الله بن احمد شرفی،عالم و مفسر قرآن در قرن یازدهم هـ.ق و از علمای برجسته‏ عصر خود صاحب المصابیح در تفسیر قرآن در 6 جلد

8.عبد الله بن عامر بن علی حسنی(1061 ق) عالم،ادیب و شاعر،پسر عموی امام منصور قاسم بن محمد مؤلف:التصریح بالمذهب‏ الصحیح.

9.ابراهیم بن محمد بن قاسم(1145 ق) عالم،فقیه،مورخ و نامی نوه امام محمد المؤید، مؤلف طبقات الزیدیة

مرجعیت علمی نوادگان امام حسن(ع)در عراق

از سال 36 هجری که حضرت علی(ع)مقر خلافت خود را از مدینه به کوفه منتقل کرد، مرجعیت علمی خود را در عراق توسعه داد و مکتب کلامی،تفسیری و فقهی عراق را پدید آورد.و از آن هنگام عراق مرکز علمی شیعیان و علویان بود،و پس از آنکه سید محمد بن ابراهیم‏ نواده امام حسن(ع)در کوفه قیام و دولتی تأسیس‏ کرد،سادات و شیعیان رو به فزونی نهادند،و در کوفه و بصره و بغداد ساکن شدند.و از میان آن‏ علما و فقها و نویسندگان و ادبای فراوان‏ برخاستند.

محمد بن ابراهیم بن سلیمان بن قاسم رسی‏ ملقب به توزون در بصره ساکن شد و فرزندان او به«بنی توزون»معروفند.(38)

جمعی از سادات نسبشان به محمد بن ابراهیم‏ می‏رسد و به طباطبایی مشهورند.از جمله علمای‏ مشهور از سادات طباطبایی:

1.ابو المعمر یحیی بن محمد بن قاسم بن محمد بن طباطبا(478 ق)نحوی،متکلم و شاعر و نسب‏شناس

2.ابو محمد جعفر بن محمد بن اسماعیل بن‏ احمد ناصر بن حسین بن قاسم رسی تهامی مکی، عارف و ادیب و شاعر.

3.جلال الدین معروف بن ابن طقطقی‏ (660-709 ق)عالم،ادیب،مورخ،نویسنده‏ و نقیب سادات علوی عراق،از نوادگان‏ قاسم رسی،صاحب کتاب معروف الفخری.

مرجعیت علمی آل طاووس در حله

این خاندان از سوی پدر به داود بن حسن بن‏ حسن(ع)و از سوی مادر به امام علی بن‏ الحسین(ع)منسوبند و از اینرو به سادات حسنی‏ و حسینی مشهورند.

1.محمد طاووس در قرن هفتم هجری از عالمان و محدثان بود و مقام ریاست سادات‏ علوی را در حله و سورا به عهده داشت.

در میان این خاندان سه تن از شهرت بیشتری‏ برخوردارند:علی بن موسی،احمد بن موسی و عبد الکریم بن احمد.در میان این سه،علی بن‏ موسی معروف به سید بن طاوس به لحاظ کتابهای‏ فقهی و رجالی و کتابهای دعا مشهورند.

2.سید بن طاووس(589-664 ق)متکلم، محدث،فقیه و ادیب بود و با خلفای عباسی‏ ارتباط داشت اما هیچ یک از منصب‏هایی را که‏ به وی پیشنهاد کردند نپذیرفت.تنها در دوران‏ هولاکوخان به پیشنهاد خواجه نصیر،مقام نقابت‏ علویان را پذیرفت.

او از تمکن مالی برخوردار بود و یکبار 90 درصد اموال خود را به نیازمندان بخشید.

سید بن طاوس تألیفات بسیاری داشت مانند الاقیال و کشف المحجة،اللهوف و...(39)

اما جعفر بن حسن مرد بزرگ و مشهوری بود و سادات سلیقی از نسل فرزند وی یعنی حسین بن‏ جعفرند.

و عبد الله که در زمان مأمون خلیفه عباسی امیر کوفه بود،پسر عبد الله بن حسن جعفر است.و محمد اورع پسر عبد الله امیر کوفه است و بنی الملحوس از اولاد اویند و بنو الکشبش در سرزمین شام از نسل ابو سلیمان محمد بن عبد الله‏ هستند.(40)

مرجعیت علمی نوادگان امام حسن(ع)در کربلا

نمونه‏هایی از نوادگان امام علی(ع)که در کربلا مرجعیت علمی داشتند خاندان سید علی‏ صاحب ریاض فرزند سید محمد علی بن ابی‏ المعالی الصفیر بن ابی المعالی الکبیر طباطبایی‏ حائری‏اند.و ابی المعالی الکبیر برادر سید عبد الکریم طباطبایی،سر سلسله آل بحر العلوم‏ است.

بعضی از علمای این خاندان عبارتند از: \*با ورود امام رضا علیه السلام‏ به ایران،مرجعیت علمی اهل بیت‏ در ایران گسترش یافت و بسیاری‏ از علمای اهل بیت به این سرزمین‏ مهاجرت کردند.

1.سید علی طباطبایی حائری،صاحب‏ ریاض(1161-1231 ق)استاد علمای عظام و از مراجع تقلید بود.مهمترین اثر وی که‏ خانواده‏اش به آن شهرت دارند،کتاب ریاض‏ است.

2.سید محمد مجاهد(1180-1242 ق) فرزند سید علی طباطبایی،مرجع تقلید و مؤلف‏ مفاتیح در اصول و مناهل الاحکام در فقه.وی‏ سر سلسله آل حجت در کربلاست.

3.سید مهدی(1250 ق)فرزند سید علی‏ طباطبایی از مراجع تقلید و سر سلسله آل طباطبایی‏ کربلا.

مرجعیت علمی خاندان امام حسن(ع)در نجف

سر سلسله این خاندان بزرگ: میر سید محمد علی فرزند میرسید مراد بن‏ میر سید شاه اسد الله طباطبایی حکیم از علمای‏ بزرگ شیعه و طبیب مخصوص شاه عباس صفوی‏ است.شخصیت‏های معروف این خاندان‏ عبارتند از:

1.میرزا سید محمد علی بن میرزا سید مراد حکیم نجفی،مؤلف مجربات الطبیة.

2.سید مهدی(1312 ق)فرزند سید صالح‏ صاحب مدارک الاحکام فی شرح شرایع الاسلام

3.سید محمود بن سید مهدی

4.سید موسی(1254-1319 ق)فرزند سید علی از اطبای حازق و با تجربه.

5.آیت الله العظمی سید محسن حکیم‏ (1306-1390 ق)مرجع عالیقدر،فرزند سید مهدی،فرزند سید صالح،صاحب بیش از 35 کتاب و رساله از جمله:المستمسک فی شرح‏ عروة الوثقی،و حقائق الاصول فی شرح کفایة.

6.آیت الله یوسف حکیم فرزند ارشد آیت الله العظمی سید محسن حکیم.

7.آیت الله سید محمد باقر حکیم فرزند آیت الله العظمی سید محسن حکیم،رئیس‏ مجلس اعلای عراق و عضو شورای عالی مجمع‏ جهانی تقریب بین مذاهب اسلامی.(41)

مرجعیت علمی نوادگان امام حسن‏ علیه السلام در ایران

با ورود امام رضا علیه السلام به ایران، مرجعیت علمی اهل بیت در ایران گسترش یافت‏ و بسیاری از علمای اهل بیت به این سرزمین‏ مهاجرت کردند.

در اواخر قرن سوم هجری نوادگان امام علی‏ علیه السلام که بیشتر آنها از خاندان طباطبایی‏ بودند به اصفهان مهاجرت کردند و موجب‏ گسترش نسل این خاندان در سایر نقاط ایران‏ گردید.

ابتدا از اصفهان به زواره و اردستان،و پس از آن به سایر سرزمین‏ها هجرت کردند و شاخه‏ای‏ از آنان مانند خاندان بحر العلوم و خاندان حکیم‏ به عراق بازگشتند و در نجف و کوفه ساکن‏ شدند.

مهاجرت سادات طباطبایی به شیراز

در زمان دیلمیان یکی از سادات طباطبایی به‏ نام زید الاسود با«شاهان دخت»دختر عضد الدوله‏ ازدواج کرد و به شیراز آمد و سرسلسله سادات‏ انجوی شیراز گردید.از این خانواده،عالمان، امیران و قاضیان فراوانی برخاستند.(42)

نام سایر این خانواده که به شیراز و سایر نقاط ایران مهاجرت کرده‏اند به تفصیل در کتاب‏ «مهاجرت آل ابو طالب»تألیف ابو اسماعیل‏ ابراهیم بن ناصر بن طباطبا آمده است.(43)

مرجعیت علمی نوادگان امام حسن علیه السلام‏ در اصفهان

از قرن سوم هجری بسیاری از سادات از شهرهای گرگان،مصر،و کوفه به اصفهان‏ مهاجرت کردند،و مرجعیت علمی یافتند مانند:

1.ابو علی حسن بن حسن از نوادگان نفس‏ زکیه،که از گرگان به اصفهان آمد و تنها بازمانده‏اش فاطمه است که مادرش اصفهانی‏ است.

2.ابو محمد عبد الله از نوادگان قاسم رسی‏ از مصر

3.ابو عبد الله احمد که از مادرش تهافر نیز از اولادان ابراهیم طباطباست.

4.علی بن زید بن ابراهیم بن محمد محمد بن‏ قاسم رسی که بعدها به شیراز منتقل شد.(44)

5.احمد بن محمد بن احمد بن ابراهیم طباطبا از کوفه.از نسل وی علما و شعرا و ادبا و فقها و امیران ناموری در ایران و عراق پدید آمدند. مانند:

الف.ابو الحسن محمد بن احمد معروف به‏ ابن طباطبا(د 322 ق)عالم،ادیب،شاعر، محقق و نویسنده از آثار او:المدخل فی‏ معرفه القمی من الشعر و فوائد الدر

ب.ابو الحسن علی بن محمد بن احمد ملقب‏ به شهاب،ادیب و شاعر.سادات طباطبایی‏ خاندان بحر العلوم که در قرن یازدهم از ایران به‏ نجف مهاجرت کردند با 18 نسل به علی شاعر شهاب اصفهانی می‏رسند.(45)

ج.آمنه طباطبایی اصفهانی،از بانوان فاضل‏ و از محدثان شیعی قرن پنجم یا ششم هجری، فرزند عباد بن حمزه طباطبایی علوی،در شهر اصفهان حوزه درس داشت و جمعی از فضلا در محضر درسش می‏شدند.(46)

مرجعیت نوادگان امام حسن علیه السلام در اردستان

شاخه‏ای از سادات طباطبایی مهاجر به‏ اصفهان در اردستان مستقر شدند و شخصیتهایی پرورش دادند که نمونه بارز آن‏ مرحوم سید حسن مدرس طباطبایی است.سید مدرس در سال 1287 قمری در سرایه اردستان‏ متولد و با پدر به قمشه رفت و در 61 سالگی به‏ اصفهان آمد و پس از 13 سال تحصیل به نجف‏ مشرف شد در سال 1328 به خاطر مبارزات‏ صادقانه‏اش به عنوان یکی از 5 علمای طراز اول‏ دوره دوم مجلس انتخاب شد.در دوره چهارم‏ مجلس با خودسری‏های رضاخان به مبارزه‏ برخاست(47).

مرجعیت علمی نوادگان امام حسن علیه السلام‏ در یزد

شهرستان یزد شاخه‏ای از معاصران خاندان‏ طباطبایی را در آغوش پذیرفت که این خاندان چند فقیه و مرجع عالیقدری به جهان اسلام عرضه‏ داشتند از جمله:

1-آیت الله العظمی سید محمد کاظم یزدی‏ فرزند سید عبد العظیم طباطبایی یزدی که در سال‏ 1337 در نجف وفات یافت.

کتاب«عروة الوثقی»از مهمترین تألیفات وی‏ در فقه مرجعی است برای مراجع عظام تقلید که‏ همواره بر آن حاشیه زده‏اند و مرحوم حاج شیخ‏ عباس قمی آن را به نام«غایة القصوی»به فارسی‏ ترجمه نموده و آیت الله العظمی حکیم بر آن شرح‏ مبسوطی به نام مستمسک العروة به رشته تحریر درآورده‏اند.

از آثار خیریه او بنای مدرسه علمیه مهمی در نجف به نام مدرسه سید است که در 1325 بنا گردیده.

2-آیت الله سید محمد طباطبایی یزدی: فرزند آیت الله سید محمد کاظم یزدی که در حمله‏ انگلیس به عراق بر اساس فتوای جهاد پدرش و سایر مراجع،به قوای انگلیس حمله سختی کرد و چهار هزار تن از آنان را به کمک مردم از پای‏ درآورد و در این جهاد مقدس،به فیض عظیم‏ شهادت نائل آمد.(48)

3-آیت الله سید محمود طباطبایی یزدی‏ فرزند آیت الله سید کاظم یزدی از علمای بزرگ‏ نجف.

4-آیت الله سید محمد حسین طباطبایی یزدی (1332-1384 هـ)فرزند سید محمود طباطبایی‏ که تقریرات درس اساتیدش آیت الله سید محسن‏ حکیم و شیخ محمد علی خراسانی را به رشته‏ تحریر درآورد.وی دارای کتابهای متعددی است‏ که مهمترین آن کتاب تفسیر آیات الاحکام چاپ‏ نجف است.(49)

مرجعیت علمی نوادگان امام حسن(ع)در تبریز

عده‏ای از طباطباییان از اصفهان به تبریز مهاجرت کردند و در قرن نهم هجری در زمان‏ حکومت آق‏قویونلو،منصب شیخ الاسلامی‏ آذربایجان را به دست آوردند.به عنوان نمونه امیر عبد الغفار فرزند عماد الدین فقیه،عارف، سیاستمدار و شیخ الاسلام در قرن نهم هجری از سوی حسن بیک به سمت شیخ الاسلام آذربایجان‏ گمارده شد و عنوان«امیری»گرفت.

پس از وی،فرزندش امیر سراج الدین،از سوی فرمانروایان تبریز شیخ الاسلام شد،و شاه‏ اسماعیل صفوی در سال 920 هـ ق،او را به‏ عنوان نماینده ویژه نزد سلطان سلیم عثمانی‏ فرستاد.سلطان سلیم او را به زندان انداخت و در زمان سلطان سلیمان آزاد شد،اما پس از یک‏ سال در استانبول درگذشت و در آنجا در کنار قبر ابو ایوب انصاری به خاک سپرده شد.

از نسل امیر سراج الدین،شخصیت والایی‏ پا به جهان گذاشت و او علامه معاصر فیلسوف و مفسر عالیقدر سید محمد طباطبایی تبریزی فرزند سید محمد طباطبایی بود سلسله اجداد چهارگانه‏ این سید بزرگوار،همه از علمای معروف سادات‏ طباطبایی تبریز بوده‏اند.وی صاحب تفسیر المیزان،اصول فلسفه قرآن در اسلام،و شیعه‏ در اسلام و بدایة الحکمة و غیره است.

مرجعیت علمی نوادگان امام حسن(ع)در بروجرد

سرسلسله خاندان علمی بروجرد سید محمد مهدی طباطبایی بروجردی معروف به علامه‏ بحر العلوم(1155-1212 ق)فقیه بزرگ و مرجع عالیقدر شیعه،فرزند سید مرتضی‏ بروجردی فرزند سید محمد طباطبایی فقیه و فیلسوف بزرگ است.

بعضی دیگر از رجال این دودمان عبارتند از:

1-سید محمد رضا فرزند ارشد بحر العلوم‏ دارای هفت پسر

2-سید جواد طباطبایی،بروجردی برادر علامه بحر العلوم

3-سید محمد تقی بحر العلوم

4-سید حسین بحر العلوم فرزند سید محمد رضا.

5-سید علی بحر العلوم فرزند سید محمد رضا صاحب اثر فقهی معروف البرهان القاطع

6-سید هاشم بحر العلوم،فرزند سید علی.

7-میرزا محمود فرزند سید جواد بروجردی‏ (م 1300 ق)

8-سید محمد بحر العلوم فرزند سید محمد تقی مؤلف بلغة الفقیه.

9-سید محمد علی بحر العلوم فرزند سید علینقی از سران و رهبران انقلاب عراق در سال‏ 1340 ق بر ضد انگلیس.

10-سید جعفر بحر العلوم فرزند سید محمد باقر سید علی بحر العلوم

11-سید مهدی بحر العلوم فرزند سید محمد تقی

12-سید محمد صادق بحر العلوم(م 1315 ق)

13-سید محمد تقی بحر العلوم(م 1318 ق)

14-آیت الله العظمی حاج آقا حسین‏ بروجردی(1292-1380 هـ)(50)

آیت الله العظمی حاج آقا حسین بروجردی‏ مرجع بزرگ تقلید شیعیان و صاحب بیست تألیف‏ از جمله رساله منجزات مریض،طبقات رجال، رساله‏ای در منطق و جزوه‏هایی در فقه،تجرید اساتید کتب اربعة،الفهرست،رجال الکشی، رجال النجاشی،سند الصحیفه السجادیه، احادیث شیعه،حاشیه بر مبسوط و خلاف و نهایه‏ شیخ طوسی.(51)

آیت الله بروجردی طباطبایی از طلایه داران‏ تقریب و وحدت اسلامی در زمان معاصر بود که‏ روابط حسنه‏ای با شیوخ الازهر داشت و به تعبیر شهید مطهری،آن مرحوم عاشق تقریب بود به‏ طوری که حتی در آخرین لحظات زندگی وقتی‏ از حمله قلبی به هوش آمد نسبت به آن توصیه‏ کرد.

آنچه در این مقاله به طور فهرست‏وار بیان‏ شد،نمونه‏هایی از مرجعیت علمی خاندان دو امام بزرگوار،امام علی و امام حسن(ع)بود.

(1)-نساء:59

(2)-نحل:64

(3)-صحیح مسلم،حدیث شماره 2408 از کتاب فضائل‏ صحابه،باب فضائل علی بن ابیطالب 7،ج 4،ص 1873، مسند احمد حنبل،ج 2،ص 114 و ج 4 ص 366 و 367، المستدرک حاکم،ج 3،ص 109 و سنن الدارمی،ج 2، ص 431 و المعجم الکبیر طبرانی،ج 5،ص 185 و سنن‏ ترمذی،ج 5،ص 662

(4)-الامام الصادق،محمد ابو زهره،ص 199

(5)-صحیح مسلم،حدیث شماره 2408 از کتاب فضائل‏ صحابه،باب فضائل علی بن ابیطالب ج 4،ص 1873،مسند احمل بن حنبل ج 2،ص 114،ج 4 ص 366 و 367 و المستدرک حاکم،ج 3 ص 109،و سنن الدارمی ج 2، ص 431 و المعجم الکبیر الطبرانی ج 5،ص 185

(6)-تفسیر القرآن الکریم،شیخ محمود شلتوت،چاپ‏ دار القلم،ص 129

(7)-علامه شهید مرتضی مطهری،امامت و رهبری، 1374،تهران،انتشارات صدرا،ص 74 و 75

(8)-ندای وحدت،علامه واعظ زاده خراسانی،چاپ‏ مجمع جهانی تقریب،ص 275.

(9)-مستدرک الصحیحین،ج 3،ص 122 و کنز العمال‏ للمتقی الهندی،ج 6،ص 156

(10)-الاستیعاب،ابن عبد البر،1109،و احتجاج‏ طبرسی،ص 239

(11)-اتقان،سیوطی،نوع 80،طبقات المفسرین

(12)-شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید،ج 1 ص 18 و 19

(13)-اطوار الثقافة،ج 2،ص 35،طبقات النحویین ج 7، ص 14

(14)-شرح نهج البلاغه،ابن ابی الحدید،ج 1،ص 21

(15)-کشف الغمه فی معرفة الائمه اربلی،ج 1،ص 131

(16)-شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید،ج 11،ص 18

(17)-همه صحاح این روایت را ضبط کرده‏اند،الجامع‏ لاصول احادیث الرسول(ص)،شیخ منصور علی ناصیف‏ ج 2،ص 149 چاپ قاهره 1352 هـ

(18)-نحل:43 و انبیاء:7

(19)-تفسیر طبری ج 17،ص 5

(20)-اعلام الموقعین،ابن قیم،ج 1،ص 12-15

(21)-الفتوح،ابن اعثم،ج 1،ص 97

(22)-طبقات الشیرازی،ص 42

(23)-اعلام الموقعین،ابن قیم،ج 1،ص 12 و المدخل‏ الی فقه الامام علی دکتر محمد عبد الرحیم،قاهره، دار الحدیث،ص 22

(24)-موسوعه فقه الامام علی بن ابیطالب(ع)،الدکتور محمد رداس قلعه‏جی،دمشق دار الفکر،ص 6

(25)-موسوعه فقه الامام علی بن ابیطالب،الدکتور محمد رداس قلعه‏جی،چاپ دمشق،دار الفکر

(29)-موسوعة فقه الامام علی بن بیطالب،الدکتور محمد داس قلعه‏جی 1403 هق دمشق،دار الفکر،ص 5

(30)-الهدایة شرح بذایة المبتدی،مرغینانی(م 593 هـ) چاپ بیروت دار الارقم‏]بی‏تا[ج 1،ص 83

(31)-سیر اعلام النبلاء،ج 4،ص 394

(32)-شرح نهج البلاغه،ابن حدید،ج 15،ص 274

(33)-حلیة الاولیاء

(34)-تهذیب الکلمات،ج 5،ص 79،مناقب‏ ابو حنیفه،موفق،ج 1،ص 73

(35)-تهذیب التهذب ج 2،ص 104

(36)-عمدة الطالب،ص 175 و بردکلمان،ج 3، ص 325-323 و دائرة المعارف تشیع ج 1،ص 341

(37)-همان ص 342

(38)-عمدة المطالب،ابن عتبه،ص 176

(39)-دایرة المعارف بزرگ اسلامی،ج 2،ص 54 و 55

(40)-روضة الشهداء،ملا حسین کاشفی،ص 402

(41)-الامام الحکیم،الذریعة،ج 13،ص 7، الصباطبائیون فی العراق دائرة المعارف تشیع،ج 1،ص 164

(42)-الفصول الفخر،ابن عنبه،ص 130

(43)-به عنوان نمونه رجوع شود به صفحه 266 و 267،249

(44)-مهاجران آل ابو طالب،ص 92

(45)-دانشنامه بزرگ اسلامی،ج،ص 66

(46)-رجوع شود به اعلام النساء،ج 1 ص 14.

(47)-مدرس قهرمان آزادی،ج 3 ص 51،233-247.

(48)-الذریعة حاج آقا بزرگ طهرانی،ج 15،ص،39 و ریحانة الادب،ج 6 ص 392.

(49)-المفسرون حیاتهم و منهجم،سید محمد ایازی. ص 105-106

(50)-مقدمه رجال بحر العلوم و اعیان الشیعة،ج 10 ص‏ 158-163

(51)-خاندان و نسب آیة الله بروجردی،سید جواد علوی،مجله حوزه شماره 43 و 44 چاپ 1370 ص 343 -372